

MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

مطالعه تطبیقی دعوی اضافی در حقوق ایران و آمریکا

مریم نیشابوری^۱، هادی عظیمی گرکانی^۲، سید محمدرضا امام جزایری^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دعوی اضافی دعوایی است که خواهان دعوی اصلی بر علیه خوانده دعوی اصلی اقامه می‌کند. در برخی از دادرسی‌ها احتمال دارد خواهان بعد از مطالبه خواسته اصلی، خواسته دیگری را مطالبه نماید. بنابراین بهترین بهترین چاره آن است نسبت به افزایش خواسته اقدام نماید. این تحقیق با هدف تبیین جایگاه دعوی اضافی در قانون آیین دادرسی مدنی ایران و آمریکا و بیان شرایط و احکام آن انجام شده است.

مواد و روش‌ها: جهت انجام پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی و به صورت تطبیقی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های تحقیق در موضوع دعوی اضافی، خواهان می‌تواند در خواسته اولیه خود تغییراتی اعمال نماید؛ این اختیار در حقوق ایران به دعوی اضافی مشهور می‌باشد، باید دانست که دعوی اضافی اگر چه در زمره دعوی طاری قرار می‌گیرد، اما در میان حقوقدانان مغفول مانده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که در حقوق سایر کشورها مانند آمریکا قاعده پانزدهم از قوانین فدرال دادرسی مدنی در ایالات متحده، نسبت به اصلاح و تکمیل رویکردهای پیشین اختصاص داده شد.

ملاحظات اخلاقی: انجام پژوهش حاضر با مینا قرار دادن اصول اخلاقی نظیر ارجاع‌دهی موثق و علمی و پرهیز از جانب‌داری صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری: در حقوق آمریکا، قانون، یکی کردن دعوی را تشویق می‌کند؛ زیرا این امر باعث کاهش تراکم کار دادگاه‌ها، تسهیل قضاوت و جلوگیری از صدور احکام متناقض نسبت به دعوی ناشی از یک موضوع می‌شود. قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا سازوکارهای قانونی متفاوتی برای رسیدن به این اهداف پیش‌بینی کرده است. در قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا قواعد ۱۳-۱۴ و ۱۵ ناظر به تجمیع ادعاها، قواعد ۱۹-۲۰-۲۳ ناظر به طرفین، قواعد ۲۳-۲۴ ناظر به خواهان‌ها و قاعده ۴۲ ناظر به توأم نمودن دعوی است. در حقوق داخلی ایران نیز، ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی (ماده ۱۱۷ قانون سابق) بدون مطرح کردن موضوع دعوی اضافی، به درخواست خواهان، نسبت به اصلاح و تغییر دعوی اولیه توجه نشان داده شد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

واژگان کلیدی:

دعوی اضافی

قضاوت

دادرسی

* نویسنده مسؤول:

هادی عظیمی گرکانی

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد پستی: ۱۷۱۱۷-۳۴۳۵۳

تلفن: ۲۱-۷۷۶۳۷۰۵۱

پست الکترونیک:

garekani1339@yahoo.com

۱. مقدمه

دعوی اضافی موضوع نسبتاً جدیدی است که در قوانین کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. برای پی بردن به دعوی اضافی نیازمند مقایسه آن با دعوی طاری هستیم. دعوی طاری دعویایی است که بر دعوی اصلی عارض می‌شود. و اگر با آن دارای ارتباط کامل یا منشأ واحد باشد، در همان دادگاهی رسیدگی می‌شود که به دعوی اصلی رسیدگی می‌شود (ماده ۱۷) دعوی طاری شامل چهار قسمت دعوی اضافی، دعوی متقابل، ورود ثالث و جلب ثالث می‌شود. هر کدام از موارد ذکر شده باید در مهلت تعیین شده در قانون مطرح گردند. بنابراین یکی از دعوی که در آیین دادرسی مدنی معمول است، دعوی اضافی است. در حقوق ایران، ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) در خصوص دعوی طاری بیان نموده است که هر دعویایی که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوی طاری نامیده می‌شود. علاوه بر این، پرداختن به موضوع دعوی اضافی در نظام حقوقی کشورهای مختلف و مقایسه آن با وضعیت داخلی ایران می‌تواند زمینه را برای بهره‌مندی دقیق از این رویکرد قضایی فراهم سازد.

با توجه به اهمیت پی بردن به حقیقت و کشف عدالت و ارائه فرصت برای خوانده در طرح دعوی، جای بررسی این موضوع در ادبیات حقوقی ایران خالی به نظر می‌رسد. به این دلیل این نوشتار می‌کوشد ضمن روشن ساختن موضوع به واکاوی جنبه‌های گوناگون دعوی اضافی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا بپردازد. همچنین نظر به وجود این نهاد در حقوق آمریکا، حقوق فدرال این کشور مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌گیرد به امید آنکه چنین پژوهش‌هایی، کوره راهی به آینده گشوده و چراغی برای پژوهش‌های آینده، کمک به رویه قضایی و اصلاحات قانونی بر افروزد. بر همین اساس با توجه به جایگاهی که دعوی اضافی در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف از جمله ایالات متحده آمریکا و ایران دارد، به بررسی اهمیت و جایگاه آن در دادرسی پرداخته می‌شود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که دعوی اضافی در دعوی حقوقی

دارای چه مزایایی است؟ و کارکرد آن در نظام‌های حقوقی از چه جهاتی می‌تواند مفید باشد؟ فرضیه‌ای که نوشتار حاضر بر آن تکیه کرده است اینکه: دعوی اضافی از جهت پیشگیری از صدور احکام متعارض در موضوعات مشابه، توجه به مصلحت طرفین دعوی و تکمیل کردن فرایند دادخواست می‌تواند کارآیی داشته باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

نگارش مقاله حاضر با مبنا قرار دادن اصول اخلاقی نگارش مقاله از جمله ارجاع‌دهی علمی و دقیق انجام شده است.

۳. مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که به شیوه فیش‌برداری مطالب را جمع‌آوری نموده است.

۴. یافته‌ها

در ایران ماده خاصی درباره دعوی اضافی دیده نمی‌شود. تنها در ماده ۹۸، به صورت مصداقی به این بحث پرداخته شده که نشانگر اهمیت دعوی اضافی در مواردی است که موضوعات ممکن است در دادگاه‌های حقوقی و کیفری مطرح شوند و باعث اطلاع دادرسی و پیچیدگی قضایی شوند. در این صورت در حقوق داخلی، گاه ممکن است که خواسته دوم خواهان با خواسته اولیه دارای منشأ واحد نباشند، یا اینکه دارای منشأ واحد بوده، ولی ارتباط کاملی با یکدیگر نداشته باشند. در این شرایط خوانده می‌تواند با تقدیم دادخواست، نسبت به اقامه دعوی اضافی اقدام نماید. ولی افزودن بر آن و یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد. به هر صورت، در حقوق ایران نیز دعوی اضافی نیز برای خواهان در نظر گرفته شده است. در حقوق ایالات متحده اما به نحو روشن‌تری نسبت به دعوی اضافی ماده اختصاصی دیده می‌شود و در پرونده‌های متعددی این مسأله مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله در فرایند تکمیل دادخواست، تغییر

تغییرناپذیری، محدود به دعوای خود هستند. این پژوهش به دنبال تبیین جایگاه این اصل در قانون آیین دادرسی مدنی ایران و قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، مبانی اصل و شناسایی استثناهای اجرای آن در راستای اجرای هرچه بهتر آن است. اسدزاده طالعی و داور (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی دعوای متقابل در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا» انجام داده‌اند. عدالت ساختار بررسی بدون اطاله دادرسی دو پرونده حقوقی مرتبط را می‌طلبد تا تبادل این خواسته‌ها و دعوای ما را به ساختار دقیق‌تر اجرای عدالت مدنی رهنمون سازد. مقایسه و تطبیق خصوصیات دعوای متقابل و استفاده از بهترین روش‌های اجرای بهتر عدالت و انصاف در دعوای مدنی آرمان این مقاله و هدف مطلوب مطالعه تطبیقی دعوای متقابل در حقوق ایران و آمریکاست. امامی و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «دعوای اضافی» انجام داده‌اند. در مقررات آیین دادرسی مدنی در خصوص دعوای اضافی بر خلاف دیگر دعوای طاری (متقابل، جلب ثالث و ورود ثالث) بایی که به احکام و آثار آن پرداخته باشد اختصاص نیافته است. این دعوا از جهت کلمه‌ای اضافی دارای دو معنای عام و خاص (اصطلاحی) است. معنای عام آن شامل هرگونه تغییر در ارکان اساسی دعوا، خواسته و یا علت دعوا است که در حقیقت تحت عنوان تغییرات دعوا شناخته می‌شود. مقصودپور (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «دعوای اضافی و تغییرات ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی» انجام داده است. در این مقاله، برای روشن شدن موضوع و انتخاب درست یکی از عقیده‌ها، ابتدا سابقه تقنینی ماده ۹۸ قانون جدید و جایگاه آن بیان شده و سپس نظرات مختلف در این خصوص مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است.

۵-۲. نوآوری تحقیق

با دقت در مطالعات پیشین متوجه می‌شویم که پژوهش‌های انجام شده در محورهای مختلفی مانند: تغییرناپذیری دعوای، مطالعه تطبیقی دعوای و مواد مرتبط با قانون آیین دادرسی کشورهای مختلف از جمله ایران و آمریکا مورد توجه قرار گرفته است. اما آنچه در پژوهش‌های صورت گرفته، انجام

دادخواست و یا موارد مشابه، قانون‌گذار این بستر را فراهم کرده تا خواننده بتواند از شرایط موجود برای طرح دعوای خود بهره‌بردارد. این به معنای کاربردی بودن اصل دعوای اضافی در مواردی است که موضوعات مشابه یکدیگر بوده و یا در صورت صدور رأی در دو رویه قضایی و کیفری، آراء متضادی صادر شود.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

احمدی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «شرایط اقامه دعوای ورود شخص ثالث در حقوق ایران و قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا» انجام داده است. در این مقاله تلاش بر این بوده است که معیاری برای ذی‌نفع بودن در ورود ثالث اعم از اصلی و تبعی ارائه شود تا بر اساس آن مشخص شود در چه حالتی امکان ورود شخص ثالث به صورت تبعی وجود دارد. در قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، دو نوع ورود شخص ثالث پیش‌بینی شده است ورود اجباری و ورود اختیاری. فرزانه و چرخ‌کی کوهگرد (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «چگونگی رسیدگی به دعوای اضافی در قوانین جمهوری اسلامی ایران» انجام داده‌اند. ارائه دعوای اضافی با وجود شرایطی همچون ارتباط دعوای اصلی و اضافی، طرح آن از سوی یکی از طرفین دعوای اصلی، رعایت مهلت قانونی و هم‌عرض بودن قابل طرح می‌باشد. در رابطه با طرح دعوای اضافی در مواردی که در یک شعبه مطرح می‌شود، قاضی با صدور رسیدگی توأمان پس از احراز ارتباط یا وحدت منشا، هر دو پرونده را ضمیمه می‌کند و به صورت یکجا تحت بررسی قرار می‌دهد. السان و محمودی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی اصل تغییرناپذیری دعوای حقوقی در حقوق ایران و آمریکا» انجام داده‌اند. پس از شروع دادرسی، ایجاد تغییرات بعدی با محدودیت‌هایی روبرو خواهد بود که در تمام مراحل دادرسی جریان خواهد داشت. هدف این اصل آن است که نشان دهد اگرچه طرفین حق دادخواهی و نیز حق دفاع آزادانه دارند، ولی بنابر ضرورت رعایت اصل احترام به حقوق دفاعی و نیز توجه به اصل سرعت و نظم در دادرسی، به موجب اصل

هستیم. برای همین موضوع، ابتدا به تعریف چند گونه از دعاوی و سپس دعاوی اضافی پرداخته می‌شود:

۵-۱-۵. دعاوی طاری

در اصطلاح دعاوی طاری دعوی است که بر دعاوی اصلی عارض شده است این دعا اگر با دعاوی اصلی مرتبط یا دارای یک منشاء باشد در دادگاهی اقامه می‌شود که دعاوی اصلی در آنجا اقامه شده است. دعاوی طاری در لغت یعنی عارض شدن، به ناگاه آمدن. انواع دعاوی طاری عبارت‌اند از:

۵-۲-۵. دعوی متقابل

دعوی متقابل در حقیقت دعوی است که خواننده در مقابل دعاوی خواهان اقامه می‌کند. این دعا ممکن است به منظور پاسخگویی به دعاوی اصلی و یا علاوه بر پاسخگویی الزام خواهان به پرداخت چیزی و یا انجام امری باشد. همچنین این دعا ممکن است در مقابل دعاوی خواهان به منظور کاستن از محکومیتی که خواننده را تهدید می‌کند، یا تخفیف آن و یا جلوگیری کلی از این محکومیت و یا حتی تحصیل حکم محکومیت خواهان اصلی به دادن امتیاز، علیه او اقامه شود (۱).

۵-۳-۵. دعاوی ورود ثالث

ورود ثالث مطابق ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی به دعوی گفته می‌شود که شخص ثالث علیه اصحاب دعا یا یکی از آنها اقامه می‌کند. اگر غیر از خواهان و خواننده اصلی (وابستگان آنها)، شخص دیگری هم در دعا ذی‌نفع باشد، باید با عنوان «ثالث» وارد دعا شود؛ «ورود ثالث» یا «جلب ثالث» دارای مقررات خاصی خواهد بود. مفهوم «ثالث» هم در مورد ورود و جلب شخص ثالث و هم در مورد اعتراض ثالث صدق می‌کند. هر چند که موارد و تشریفات طرح این سه نوع از دعا با یکدیگر متفاوت است.

نشده است، توجه به موضوع دعاوی اضافی در حقوق داخلی ایران و آمریکا و حتی مزایای دعاوی اضافی است. بدین ترتیب پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی دعاوی اضافی در حقوق داخلی دو کشور پرداخته و اهمیت دعاوی اضافی را نشان دهد.

۵-۳-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

ضرورت انجام این پژوهش این است که دعاوی طاری و (به طور خاص دعاوی اضافی) را که در قانون آیین دادرسی مدنی به آن کمتر توجه شده را در حقوق ایران بررسی نماییم و به منظور اینکه نقاط ضعف و قدرت آنها در حقوق و قانون خود بیابیم آنها را با نظام حقوق دیگر یعنی آمریکا مورد بررسی قرار خواهیم داد. از آنجا دعاوی اضافی در حقوق ایران ابهامات و ضعف‌های فراوانی دارد. که نیازمند تحلیل و بررسی می‌باشد. در این خصوص باید گفت که دعاوی اضافی در قانون دادرسی تنها در یک ماده ذیل فصل چهارم این قانون که به جلسات دادرسی اختصاص دارد پرداخته است و از عنوان دعاوی اضافی نیز نامی نبرده است. بر همین اساس معلوم نیست دعاوی اضافی باید ذیل جلسات دادرسی بیان شود یا در فصل دعاوی طاری؟

۵-۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

مباحث مقاله حاضر از جهت پرداختن به دعاوی اضافی در قوانین سایر کشورها کاستی دارد. با توجه به اینکه در بحث دعاوی اضافی در ایران، نیازمند پرداختن به حقوق فرانسه نیز بوده است، اما راقم این سطور با متمرکز شدن بر بحث دعاوی اضافی، مزایای آن و همچنین مقایسه آن در حقوق ایران و آمریکا، از پرداختن به آن در سایر کشورها و قوانین پرهیز نموده است.

۵-۵-۵. مفاهیم و تعاریف

برای پی بردن به اهمیت و جایگاه دعاوی اضافی در حقوق داخلی کشورها و جایگاهی که در دادرسی مطلوب و عادلانه بر عهده دارد، نیازمند پرداختن به انواع دعاوی مرتبط با آن نیز

۵-۵-۴. دعوی جلب ثالث

خواهان یا خوانده‌ای که قصد جلب شخص ثالث را دارد، باید دلایلی ارایه کند مبنی بر اینکه ثالث به نحوی به این دعوا مربوط است و می‌توان وی را خوانده قرار داد. البته به نظر می‌رسد که دادگاه وارد ماهیت ادعای شخص نمی‌شود و بررسی اینکه آیا واقعاً می‌توان مجلوب ثالث را محکوم کرد یا خیر، نیازمند رسیدگی در ماهیت و برگزاری حداقل یک جلسه دادرسی است.

۵-۵-۵. دعوی اضافی

دعوی اضافی در ایران برگرفته از حقوق فرانسه است. هرچند در قانون پیشین آیین دادرسی مدنی کشور فرانسه درباره دعوی اضافی ماده‌ای لحاظ نشده بود، اما مواد ۶۳ و ۶۵ و ۶۷ تا ۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی کشور فرانسه، مواردی به آن اختصاص داده شده است. از جمله اینکه در ماده ۶۵ قانون مذکور در بحث دعوی اضافی چنین آمده است: «دعوایی که به موجب آن یکی از طرفین ادعاهای قبلی و اصلی خود را تغییر می‌دهد».

قانون‌گذاران ایران بدون توجه به ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، به بیان مصادیق دعوی اضافی پرداخته است و در این باره بیان کرده است: «خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده است در تمام مراحل دادرسی کم کند، ولی افزودن آن یا تغییر نحوه دعوی یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشا واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد» (۲).

دعوی طاری، دعوی هستند که در اثنای رسیدگی به دعوی اصلی از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه می‌شوند. این دعوی باید یا با دعوی اصلی هم منشأ باشند یا با دعوی اصلی ارتباط داشته باشند که در این صورت در دادگاهی اقامه می‌شوند که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده است. هدف از دعوی طاری، جلوگیری از تکرار دعوی و احتراز از صدور احکام متعارض است (۳). البته برخی قائل به تفصیل شده و بر این باورند که

هرگاه دعوی اضافی در جلسه دادرسی و با حضور خوانده مطرح شود، با توجه به اطلاع وی از موضوع دعوا و دلایل خواهان، نیازی به دادخواست جداگانه نیست، اما اگر تغییرات مذکور در غیر جلسه دادرسی و در غیاب خوانده باشد، جهت اطلاع و آمادگی وی برای پاسخگویی باید دادخواست تقدیم شود. گفتنی است هرگاه دعوی اقامه شده، شرایط دعوی اضافی را نداشته باشد، دعوایی مستقل به شمار می‌آید که دادگاه باید به آن رسیدگی و رای صادر کند. در دادرسی‌های مدنی به طور معمول یک (چند) شخص علیه یک (چند) شخص دیگر دادخواهی می‌کند و دادرسی بی‌آنکه نیاز به افزودن برخواسته، طرح دعوی اضافی یا فراخوانده ثالث باشد پیش می‌رود. با وجود این، گاه ممکن است کامیابی خواهان یا به کمال رساندن آن، افزایش خواسته‌ها یا طرح دعوی دیگری (علیه خوانده یا ثالث) را اجاب کرده در نتیجه وی ناگزیر از فراخوانی ثالث به دادرسی، طرح دعوی اضافی یا افزایش خواسته شود. در حقوق آمریکا سابقه این نهاد به دادگاه انصاف برمی‌گردد که به طرف دعوا اجازه می‌داد علیه طرف همسوی خود، به صورت عرضی دادخواهی کند (۴).

۵-۶. مزایای دعوی اضافی

با اینکه حفظ دادرسی، رعایت حقوق خوانده و البته در نظر گرفتن حق دفاع خوانده بر این موضوع تأکید می‌نماید که موضوع اختلافی در همان وهله اول حل و فصل شده و اصل بر تغییرناپذیری دعوی است. اما در ایران، قانون‌گذار با عدول از این اصل، تغییر در موضوع یا اصحاب دعوی را مجاز دانسته است. در هر صورت با پذیرش اصل دعوی اضافی، می‌توان مزایایی را نیز برای آن در نظر گرفت:

۵-۶-۱. پیشگیری از صدور احکام متعارض در**موضوعات مشابه**

این مزیت در مواقعی رخ می‌دهد که صدور احکام متعارضی درباره یک موضوع صورت گرفته باشد. به عنوان مثال می‌توان به موضوع شکایت خواهان از خوانده درباره خلع ید و دریافت اجرت‌المثل اشاره کرد که ممکن است در نهایت خلع ید صادر

دیگری که ارتباط کافی با دعوی اصلی داشته باشد هر چند ذیل هیچ کدام از عناوین مزبور نگنجد، به عنوان دعوی اضافی از سوی خواهان قابل طرح است.

۵-۷-۱. تغییر در کمیت خواسته

مطابق قسمت اول ماده ۹۸ ق.آ.د.م، خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند. ظاهر این ماده، بیانگر لزوم وجود دو شرط ارتباط و وحدت منشأ با دعوی طرح شده، به صورت توأمان در صورت تصمیم به افزایش خواسته است. این در حالی است که قانون‌گذار در صورت طرح دعاوی طاری تنها وجود یکی از دو شرط را برای قاضی جهت ورود در ماهیت تجویز نموده است. عده‌ای ضمن پذیرش این امر که موارد مندرج در ماده ۹۸ از مصادیق دعوی اضافی است، وجود یکی از دو شرط وحدت منشأ و ارتباط دعوی اصلی و اضافی را کافی دانسته و اعتقاد به رعایت هر دو شرط را، ضمن مغایرت با سیاست کلی قانون‌گذار در توأم نمودن پرونده‌ها و رسیدگی جمعی، موجب تناقض بین مواد و توالی فاسدی همچون صدور آرای متعارض دانسته‌اند (۶). با توجه به اینکه تعریفی از دعوی اضافی مطرح شد، به بررسی عناصر آن پرداخته می‌شود که شامل: اطراف دعوی، موضوع دعوی، سبب یا اسباب وجود حق است. مورد اخیر در ماده ۱۴۰ قانون مدنی اسباب تملک را احصا کرده است این ماده مقرر می‌دارد: «تملک حاصل می‌شود: ۱- به احيای اراضی موات و حيازت اشیای مباحه، ۲- به وسیله عقود و تعهدات، ۳- به وسیله اخذ به شفعه، ۴- به ارث. در این ماده مراد از تملک، تنها مالکیت نیست بلکه حق می‌باشد. بر موارد یادشده در این ماده باید الزامات غیر قراردادی یا مسئولیت‌های قهری و حقوقی را که منشأ ایجاد آن قانون است، افزود. بنابراین شخصی که ادعای حقی می‌کند و مدعی است شخص دیگری حق او را مورد تضییع و انکار قرار داده، باید اسباب ایجاد حق خود را در دعوی بیان کند (۷).

نشود، اما حکم به محکوم شدن خواننده به پرداخت اجرت‌المثل دهد. در این صورت، رسیدگی جمعی به خواسته‌های ذکر شده، محل صدور آراء متعارض را منتفی می‌کند. بنابراین برای جلوگیری از چنین رویه‌ای می‌توان دعوی اضافی را مورد توجه قرار داد (۲).

۵-۶-۲. مصالح طرفین دعوی و دادگستری

موضوع دیگری که باعث پذیرش دعوی اضافی می‌شود، مصالح خواهان و خواننده و همچنین دادگستری است. بدین معنا که دعوی اضافی، مانع تشکیل چند پرونده در شعب مختلف شده و حتی از اطلاع دادرسی جلوگیری می‌کند. از این جهت، اختلاف در رسیدگی باعث می‌شود تا پرونده در یک شعبه متمرکز شده و بررسی گردد.

۵-۷. دعوی اضافی در حقوق ایران

ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی ایران با ذکر مصادیق دعوی اضافی، تعریف خاصی در این باره ارائه نکرده است. این مصادیق شامل موارد زیر است:

۱- کاهش خواسته، تغییر خواسته، تغییر نحوه دعوی، تغییر درخواست، افزایش خواسته.

هر چند برخی از نویسندگان، افزایش خواسته را همان دعوی اضافی و بنابراین آن را مصداق دعوی طاری دانسته‌اند (۵). اما بنابر رویکرد غالب دکترین و رویه قضایی، افزایش کمی خواسته، دعوی طاری نبوده و در نتیجه نیازمند تقدیم دادخواست اضافی یا جدید نیست بلکه به منزله تغییر در دعوی اقامه شده است. به هر روی، تجویز افزایش خواسته با محدودیت‌های روبه‌رو بوده، مستلزم آن است که از یک‌سو خواهان تا پایان اولین جلسه دادرسی آن را اقامه کند و از سوی دیگر خواسته افزوده شده با دعوی اصلی، ناشی از یک منشأ بوده و دارای ارتباط کامل با آن باشد به هر حال گذشته از واحد یا متعدد بودن نهادی یاد شده (افزایش خواسته و دعوی اضافی) باید گفت دادخواهی خواهان بر خواهان را نمی‌توان مشمول نهاد افزایش خواسته دانست. علی‌رغم ماده ۹۸ احصاء مذکور حصری نبوده و هرگونه تغییر احتمالی

۵-۷-۲. تغییر عناصر دعوی بعد از آغاز آن

همانگونه که گفته شد، دعوی عناصری دارد (اطراف دعوی، موضوع دعوی و اسباب دعوی) حال سؤال این است که آیا بعد از آغاز رسیدگی به دعوی، اصحاب دعوی می‌توانند عناصر آن را تغییر دهند؛ به عبارت دیگر و با توجه به اینکه عناصر دعوی قلمرو آن را مشخص می‌کنند، آیا اصحاب دعوی بعد از شروع رسیدگی به دعوی می‌توانند با تغییر عناصر دعوی قلمرو آن را تغییر دهند؟ در پاسخ به سؤال یادشده باید گفت که پس از آغاز دعوی اصل بر تغییرناپذیری آن است، مگر اینکه قانون استثنا کرده باشد. این اصل در حقوق کشور ما به صراحت عنوان نشده اما با استقرا در مواد قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان آن را استخراج کرد. مواد ۹۸ و ۱۳۰ الی ۱۴۳ درباره دعاوی طاری مبین این امر است.

۵-۷-۳. تغییر اطراف دعوی

اطراف دعوی به موجب دادخواست آغازگر دعوی، تعیین می‌شود (بند ۱ و ۲ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی) موجب این دو بند باید در دادخواست نام و نام خانوادگی خواهان یا خواهان‌ها و خوانده یا خواندگان به طور دقیق با ذکر سایر مشخصات بیان شود. حال سؤال این است که بعد از تقدیم دادخواست و آغاز دعوی آیا می‌توان بر تعداد اشخاص داخل در دعوی اضافه کرده و بدین ترتیب اطراف دعوی تغییر پیدا کند؟ قانون آیین دادرسی مدنی به موجب ماده ۱۳۰ اجازه ورود اشخاص ثالث به دعوی را داده است. با ورود اشخاص ثالث به دعوی بر تعداد خواهان‌ها اضافه می‌شود. همچنین ماده ۱۳۵ اجازه جلب اشخاص ثالث را به دعوی می‌دهد. ثالثی که به دعوی جلب می‌شود خوانده محسوب شده (ماده ۱۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی) و بدین ترتیب بر تعداد خواندگان دعوی اضافه می‌شود. بنابراین، به موجب مواد ۱۳۰ و ۱۳۵ تغییر اصحاب دعوی امکان‌پذیر می‌باشد. اما قانون‌گذار برای جلب شخص ثالث شرایطی را پیش‌بینی کرده است.

۵-۷-۴. تغییر موضوع دعوی

قبل از پرداختن به چگونگی تغییر موضوع دعوی، باید موضوع دعوی تعریف و مشخص شود. باید گفت که موضوع دعوی اعم از خواسته است و خواسته دعوی متقابل و وارد ثالث را شامل می‌شود. به موجب بند سوم ماده ۵۱، یکی از شرایط دادخواست، تعیین خواسته می‌باشد. نویسندگان حقوقی کتاب‌های دادرسی خواسته را تعریف کرده بلکه مصداق آن را بیان کرده‌اند (۸). با توجه به آنچه گفته شد، سؤالی که مطرح می‌شود این که آیا تغییر خواسته پس از تقدیم دادخواست، ثبت و ابلاغ آن به خوانده و آغاز دعوی، امکان دارد یا خیر؟ قسمت دوم ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی به این سؤال پاسخ مثبت داده است؛ این ماده مقرر می‌دارد: «خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده، در تمام مراحل دادرسی کم کند اما افزودن آن یا تغییر نحوه دعوی یا خواسته یا درخواست در صورتی امکان دارد که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد.» بنابراین، به موجب این ماده امکان تغییر خواسته (موضوع) دعوی وجود دارد، البته به شرط اینکه با دعوی طرح شده ارتباط داشته باشد (۷).

۵-۷-۵. تغییر سبب دعوی

ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند. اما افزودن آن یا تغییر نحوه دعوی یا خواسته یا درخواست در صورتی امکان دارد که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه دادرسی آن را به دادگاه اعلام کرده باشد ملاحظه می‌شود قانون سخنی از تغییر سبب دعوی به میان نیاورده بلکه تغییر نحوه دعوی را پذیرفته است. حال سؤالی که مطرح می‌شود این که آیا تغییر نحوه دعوی همان تغییر سبب دعوی است یا خیر؟ حقوقدانان این سؤال را طرح نکرده‌اند. برخی دیگر از حقوقدانان نیز تغییر نحوه دعوی را تعریف و تبیین نکرده، اما در مثالی که برای توضیح آن بیان کرده‌اند،

۵-۸. دعوای اضافی در حقوق آمریکا

در نظام کامن‌لا قاعده‌ای وجود دارد که به موجب آن «تمامی موضوعات مورد اختلاف طرفین دعوا باید به صورت کامل و نهایی و یکجا حل و فصل شده و از هرگونه تعدد و انشعابی که دعوای حقوقی متعدد راجع به رابطه حقوقی واحد را از هم‌دیگر جدا می‌کند اجتناب شود» (۱۳). میانه قرن ۱۸ شاهد موج اصلاح قواعد دادرسی و تدوین کدهای دادرسی بود. این کدها ضمن بهره‌گیری از انصاف و کامن‌لا، مفاهیم گوناگون تجمیع را از انصاف اخذ و آن را تسهیل کردند. هرچند همچنان مشکلاتی در این باره وجود داشت؛ زیرا دادگاه‌ها از یک‌سو مفهوم رویداد یا رویدادها را مضیق تفسیر می‌کردند و از سوی دیگر، تجمیع اسباب دعوا را در صورتی ممکن می‌دانستند که آن دعوا همه طرفین را متأثر کند. در واقع دادگاه‌ها در صورتی تجمیع یا اجتماع خواهان‌ها را ممکن می‌دانستند که نفعی در موضوع دعوا و دستیابی به خواسته برای آنان قابل تصور باشد. خوانندگان نیز وقتی می‌توانستند به دادرسی ملحق شوند که نفعی در برابر خواهان ادعا کنند (۱۴).

دیدگاه عمومی این است که نظام دادرسی مدنی ایالات متحده آمریکا بنابر بند (ب) قاعده ۸ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال مبتنی بر دادخواهی اجمالی است. این مقرر به خواهان اجازه می‌دهد که ابتدا دعوای خود را بدون طرح تمامی ادله بیان دارد تا پس از اخطار به خواننده وی مجبور به افشای دلایل خود شود. در واقع یکی از اهداف آیین دادرسی مدنی فدرال که در سال ۱۹۳۸ م تصویب شد، متعادل کردن دادخواهی بود به نحوی که در سیستم جدید دعوا بر کشف دلیل تمرکز پیدا کرد. افشا و کشف دلیل در فرایند دادرسی آمریکا به این معنا است که طرفین دعوا از دادگاه می‌خواهند برای گردآوری اطلاعات برای دادرسی اقدام کند (۱۵).

۵-۸-۱. امکان تغییر در دادخواست

بنابر آنچه در قسمت‌های (الف) و (ب) قواعد فدرال آمریکا آمده، امکان اعمال تغییرات پیش‌بینی شده است. این تغییرات منوط به رعایت شرایطی است که در ادامه به آن پرداخته

تغییر نحوه دعوی را همان تغییر سبب دانسته است (۸). به نظر ما نیز منظور از تغییر نحوه دعوی، تغییر سبب دعوی می‌باشد. بنابراین خواهان می‌تواند تا پایان اولین جلسه دادرسی سبب دعوی خود را تغییر دهد (۹).

۵-۷-۶. تغییر دعوا و دعوای اضافی

گفته شد دعوای اضافی دعوای خواهان اصلی بر علیه خواننده اصلی است. یعنی خواهان علاوه بر دعوای اولیه خود، دعوای دیگری را نیز بر علیه وی اقامه می‌کند. برای اقامه دعوای اضافی، خواهان بایستی تا پایان اولین جلسه دادرسی، دادخواست خود را همراه با ضمائم آن تقدیم همان دادگاهی کند که دعوای اصلی را اقامه نموده است. دادخواست اضافی دقیقاً همان پروسه‌ای را طی خواهد نمود که دادخواست اصلی طی نموده است. بنابراین در صورتی که مشخصات خواهان این دعوا مشخص نباشد، مدیر دفتر دادگاه در اجرای ماده ۵۹ ق.آ.م.م، قرار رد فوری دادخواست را صادر خواهد نمود و دیگر موارد نقص نیز تابع قواعد عمومی است. هزینه دادرسی این دعوا نیز بر اساس خواسته مندرج در آن و با توجه به ماده ۳ قانون وصل، محاسبه و اخذ خواهد شد. بعد از تقدیم دادخواست بایستی در اجرای اصل تناظر، مهلت کافی برای دفاع از خواسته جدید به خواننده اعطا شود (۱۰). در مقررات آیین دادرسی مدنی در خصوص دعوای اضافی بر خلاف دیگر دعاوی طاری (متقابل، جلب ثالث ورود ثالث) از دعوای اضافی بحث نشده است. در معنای اصطلاحی نیز دعوای اضافی به دعوایی اطلاق می‌شود که خواهان خواسته جدیدی را با تقدیم دادخواست به دعوای نظر به ارتباطی که با آن دارد ضمیمه می‌کند (۱۱). با این توضیح می‌توان گفت، دعوای اضافی دعوایی است که خواهان علیه خواننده مطرح نموده و طی آن خواسته خود را افزایش می‌دهد که تحت لوای دعاوی طاری موضوع ماده ۱۷ قرار می‌گیرد که با موارد مندرج در ماده ۹۸ تفاوت دارد (۱۲).

جدید وارد دادرسی می‌شود؛ در حالی که موجبات ورود یا طرح آن پس از طرح دادخواست اولیه به وجود آمده است. دادگاه باید با رعایت انصاف و ارسال اخطاریه به طرف در صورتی که ادعای جدید ناشی از دادخواست اولیه باشد، دادخواست تکمیلی را بپذیرد (۱۷). این امر حکایت می‌کند که تلاش در راستای تغییر دادرسی به منظور در نظر گرفتن دعوای اضافی در پرونده‌های کیفری و حقوقی موردنظر قانون‌گذار در این کشور است. فرایند طولانی و پرهزینه‌ای که نظام دادخواهی اجمالی با ادعاهای مبهم و غیرقطعی به وجود آورد، باعث شد که دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۷ م در پرونده «تومبلی» (Twombly) علیه شرکت بل آتلانتیک (Bell Atlantic Corp) و سپس در سال ۲۰۰۹ م در پرونده اقبال علیه اشکورت (Ashcroft) استاندارد جدیدی در خصوص قابلیت استماع دعوای وضع نماید (۱۸).

۶. نتیجه‌گیری

دعوای اضافی هرچند ممکن است در پاره‌ای از مواقع باعث طولانی شدن روند دادرسی شود، اما از جهت جلوگیری از صدور احکام متعارض در موضوعات مشابه می‌تواند مفید باشد. هنگامی که دعوای اضافی شرایطی برای خواهان فراهم نماید که بتواند خواسته‌های خود را در قالب یک خواسته مطرح کند، از صدور احکام متعارض توسط قاضی نیز جلوگیری می‌شود. زیرا ممکن است درباره یک موضوع واحد، چند خواسته مطرح شود و تنها در بعضی از موارد جزئی با هم اختلاف داشته باشند. دعوای اضافی از این مزیت برخوردار است که دعوای خواهان را در یک قالب به سمع و نظر مقام رسیدگی‌کننده می‌رساند. بدین معنا موضوعاتی می‌توانند واجد شرایط لازم برای دعوای اضافی باشند که در شکایت مطرح شده از سوی خواهان، یکی و واحد باشند. علاوه بر این، می‌بایست شرایط عادلانه‌ای فراهم شود که خواهان بتواند در یک زمان متعارف و معقول، دعوای جدیدی را مطرح نموده و البته به نحوی که باعث تکمیل دادخواست قبلی و اولیه بوده و در تعارض با آن نباشد. مزیت دیگری که برای دعوای اضافی قابل طرح است توجه به مصالح طرفین دعوی است که با

می‌شود: قسمت (الف) قاعده ۱۵ مشخص می‌کند که چه زمانی و چگونه خواهان می‌تواند دادخواست را پیش از شروع دادرسی تغییر دهد. خواهان می‌تواند یک بار دادخواست را بدون اجازه دادگاه یا طرف دیگر تغییر دهد به شرطی که این تغییر ظرف مدت ۲۱ روز از تاریخ طرح آن باشد در مواردی که دادخواست واکنشی ارسال می‌شود تا ۲۱ روز پس از ابلاغ آن می‌باید تغییرات اعمال گردد (۱۶). در صورتی که اصلاح و تغییر به این نحو میسر نشود، خواهان فقط در صورت موافقت کتبی طرف دعوا یا اجازه دادگاه می‌تواند نسبت به اصلاح دادخواست اقدام نماید. محکمه نیز باید بنابر مقتضیات عدالت این اجازه را صادر نماید. قسمت (ب) قاعده ۱۵ به طرفین اجازه می‌دهد که دادخواست را طی دادسی یا پس آن اصلاح نمایند. آن بند در دو حالت قابل بررسی است: هنگامی که طرف دیگر دعوا اجازه اصلاحیه زدن به دادخواست مرتبط نیست. در این صورت دادگاه باید اجازه تغییر بدهد، به شرطی که مشخص شود تغییرات به آشکار شدن ماهیت امر کمک می‌کند و طرف معترض به تغییرات نتواند ثابت نماید که تغییرات درخواست شده باعث ورود زیان به وی می‌شود (۱۷). قسمت (ج) قاعده ۱۵ چگونگی تاثیر تغییرات در گذشته در فرض انقضای مرور زمان ۲۱ روزه را مشخص می‌کند. این قسمت از قاعده بیان می‌کند که اثر تغییرات در فرض سپری شدن مرور زمان در سه حالت به زمان طرح دادخواست اولیه بر می‌گردد.

۵-۸-۲. امکان تکمیل دادخواست

قسمت (د) قاعده ۱۵ در خصوص تکمیل دادخواست و چگونگی اضافه کردن خواسته جدیدی که پس از طرح دعوا اتفاق افتاده است، توضیح می‌دهد. فرق مهم این قسمت با سایر قسمت‌ها در این است که آنچه در قسمت‌های پیشین بیان شد همگی مربوط به بحث اصلاح در دادخواست بود. دادخواست اصلاحی به خواهان اجازه می‌دهد که ادعا یا فرد جدیدی را وارد دادرسی نماید؛ بر این اساس که پیش از تنظیم دادخواست موجبات طرح یا ورود آنها وجد داشته است، اما دادخواست تکمیلی اجازه می‌دهد ادعای جدید اضافه یا فرد

ثالث (قاعده ۱۴) دعوی موازی (قاعده ۱۳) همچنین قاعده پانزدهم از مجموعه قواعد فدرال دادرسی مدنی آمریکا، به تصحیح و تکمیل ادعاهای قبلی (دعوی اضافی) اختصاص پیدا کرده است در حقوق ایران نیز امکان رسیدگی واحد به دعوی اشخاص متعدد نسبت به موضوع دعوا را در یک دادرسی پیش‌بینی کرده است در مورد دعوی اضافی نکات ذیل مورد توجه است:

۱- دعوی اضافی، دعوی تمام عیار بوده و مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی است، خواهان این دعوا همان خواهان دعوی اصلی است و خواننده این دعوا، همان خواننده دعوی اصلی است.

۲- مدت دعوی اضافی با اخذ وحدت ملاک از ۹۸ تا پایان اولین جلسه دادرسی و فقط در مرحله بدوی امکان اقامه دارد. ۳- در دعوی اضافی نیز، بایستی شرایط اقامه دعوی طاری موجود باشد. یعنی بین خواسته ابتدایی خواهان و خواسته جدید او، ارتباط کامل با منشأ واحد وجود داشته باشد. در این صورت خواهان با تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی نسبت به خواسته جدید، با رعایت تمامی شرایط اقامه دعوا، نسبت به اقامه دعوی اضافی اقدام خواهد نمود.

۴- استرداد دعوا در دعوی اصلی تأثیری در دعوی اضافی نخواهد داشت. عکس این قضیه نیز صادق است. همچنین در هر یک از دعاوی به هر دلیلی قرار ابطال دادخواست با رد دادخواست و یا هر قرار قاطع دیگری صادر شود، دادرسی نسبت به دعوی دیگر ادامه خواهد داشت.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که در تدوین و نگارش مقاله، اصلاح و نهایی شدن آن، راهنمایی‌های سازنده داشته‌اند، تشکر می‌نمایم.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت مشترک در نگارش مقاله حاضر نقش داشته‌اند.

مطرح کامل خواسته خود به نحو بهتری می‌توانند شاهد تحقق عدالت باشند. پی بردن به حق و حقوق خواهان از طریق ارائه دقیق و کامل خواسته خود بخش دیگری از کارکرد و مزیت دعوی اضافی است که مطابق روند دادرسی به طرفین دعوی اجازه داده می‌شود تا ادعاهای خود را اصلاح نموده و امکان دادرسی عادلانه را فراهم آورد.

درباره قوانین داخلی و در ارتباط با مبحث دعوی اضافی چنین برداشت می‌شود که قانون آیین دادرسی مدنی بدون اینکه از تغییر دعوا تعریفی ارائه دهد در ماده ۹۸ بیان می‌کند خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند، ولی افزودن آن و یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد. اعمال حقوق مندرج در ماده مذکور مشروط بر این است که دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه تقاضا شود. بنابراین از جمله دعوی که حقوق ما کمتر به آن پرداخته است، موضوع دعوی اضافی است. بنابراین بر خلاف سایر دعاوی طاری (دعوی تقابل جلب و ورود ثالث) تنها در یک ماده (۹۸) در قانون آیین دادرسی مدنی به دعوی اضافی اختصاص پیدا کرده است. در قانون ایران بیشتر به مصادیق دعوی اضافی پرداخته شد و به دلیل عدم تعریف و اختصاص ماده به آن، ابهامات و پرسش‌های زیادی در مقایسه با سایر دعاوی طاری با دعوی اضافی وجود دارد. در این مقاله سعی شده است تا با برجسته کردن ماده ۹۸، و همچنین بررسی مصادیق دعوی اضافی، شرایط اقامه و رسیدگی به آن، سرانجام تکلیف دادگاه در مواجهه با دعوی اضافی ارایه شود. در کنار طرح این مسائل، انتقاداتی نیز در زمینه ابهامات و ایرادات قانون آیین دادرسی مدنی در این زمینه ارائه شده و پیشنهادهایی برای رفع آنها مطرح شده است. قواعد آیین دادرسی فدرال آمریکا سازوکارهای قانونی متفاوتی برای ادغام دعوی اشخاص پیش‌بینی کرده است. از قواعد مذکور سه مورد به نحوی شبیه مقررات جلب ثالث در حقوق ایران است که عبارتند از: الحاق (قواعد ۱۹-۲۰) جلب

۹. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

References:

1. Asadzadeh Talei S, Davar M. A Comparative Study of Counterclaims in Iranian Law USA. *Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research*. 2016;12(30):42. (persian).
2. Molodi H. Additional Lawsuit. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*. 2001;1(58):283. (persian).
3. Maghsoodpour R. Additional litigation and amendments to Article 98 of the Code of Civil Procedure. *Comparative Law Investigation*. 2011;14(4):18. (persian).
4. Effron Robin J. Shadow Rules of Joinder. *The Georgetown Law Journal*. 2012;100(3):33.
5. Matin Daftari A. Civil and Commercial Procedure. Tehran: Majd Publishing; 2010. (persian).
6. Puoraostad M, Imanian Bidgoli A. Property Claims in Civil Litigation. *Quarterly Journal of Azad Legal Research*. 2016;14(4):153. (persian).
7. Hormozi K. Changing the elements of litigation: an explanation of Article 98 of the Code of Civil Procedure. *Private Law Research*. 2013;2(3):43. (persian).
8. Shams A. Civil procedure. Tehran: Mizan; 2001. (persian).
9. Katoozian N. Non-contractual requirements. Tehran: Mizan; 2008. (persian).
10. Zeinali T. Tari lawsuits in Iranian law and civil procedure. Tehran: Sana; 2019. (persian).
11. Imami M, Daryaei R, Karbalaei Aghazadeh M. Additional litigation. *legal studies social sciences and humanities Shiraz*. 2012;5(3):12. (persian).
12. Rameshi M, Balochian A. Investigating the Conditions and Effects of Changing Civil Litigation in Iranian Law. *Internal Quarterly of the Bar Association*. 2017;1(17):86. (persian).
13. Langan L, Henderson DJ. Civil procedure. London: Sweet & Maxwelle; 1983.
14. Park Roger C, Douglas D. McFarland. *Joinder and Supplemental Jurisdiction*. 2010;30(2):936.
15. Hubbard W. A Theory of Pleading. Chicago Public Law and Legal Theory Working Paper; 2013.
16. Elsan M, Mahmoodi N. A Comparative study on the principle of immutability of litigation in Iranian and American law. *Comparative Law Review*. 2018;9(2):473-91.
17. Stempel JW. Learning civil procedure USA: West academic publishing; 2013.
18. Steinman AN. The Rise and Fall of Plausibility Pleading. *Vanderbilt Law Review*. 2016;3(69):335.

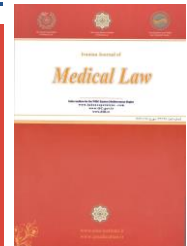


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

A comparative study of additional litigation in Iranian and American law

Maryam Neyshabouri¹, Hadi Azimi Garkani^{2*}, Seyyed MohammadReza Imam Jazayeri³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 8 September 2021

Accepted: 17 January 2022

Published online: 23 January 2022

Keywords:

Additional litigation

Judgment

Trial

ABSTRACT

Background and Aim: An additional lawsuit is a lawsuit filed by the plaintiff against the defendant in the main lawsuit. In some cases, the plaintiff may claim another claim after the original claim. Therefore, the best solution is to increase the demand. The purpose of this study was to explain the status of additional litigation in the Civil Procedure Code of Iran and the United States and to state its terms and conditions.

Materials and Methods: For this research, descriptive-analytical method and comparative and library resources have been used.

Results: Based on the findings of the research on the subject of additional litigation, the plaintiff can make changes in his initial request; this authority is known as additional litigation in Iranian law. It should be noted that although additional litigation is one of the litigation lawsuits, it has been neglected and less considered among jurists. In the law of other countries, such as the United States, the fifteenth rule of the Federal Civil Procedure Code in the United States was devoted to amending and supplementing previous approaches.

Ethical considerations: The present study is based on ethical principles such as credible and scientific citation and avoidance of bias.

Conclusion: In American law, the law encourages the unification of claims; this is because it reduces the workload of the courts, facilitates adjudication, and prevents conflicting judgments in litigation. The rules of the US Federal Civil Procedure Code provide for different legal mechanisms to achieve these goals. In the US Federal Civil Procedure Code, Rules 13-14 and 15 govern the aggregation of claims, Rules 19-20-23 apply to the parties, Rules 24-23 apply to the plaintiffs, and Rule 42 governs the conciliation of claims. In Iranian domestic law, Article 98 of the Code of Civil Procedure (Article 117 of the former law), without raising the issue of additional litigation, paid attention to the petitioner,s to amend and change the original litigation.

* Corresponding Author:

Hadi Azimi Garkani

Address: Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Postal Code: 17117-34353

Telephone: 21-77637051

Email: garekani1339@yahoo.com

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Neyshabouri M, Azimi Garkani H, Imam Jazayeri SM. A comparative study of additional litigation in Iranian and American law. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.